

کتاب اول



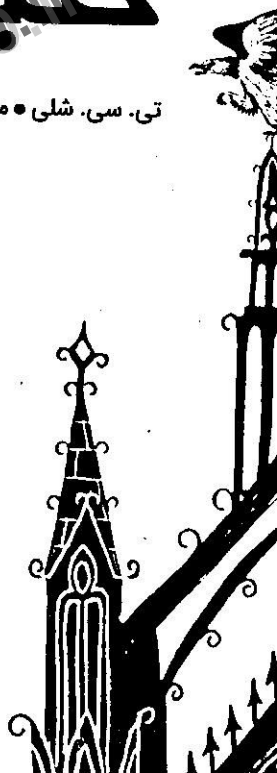
سه گانه ی پسر، هیولا، گرگینه

هیولایی هیولان نبود

تی. سی. شلی • مریم منتصرالدوله

۲۷۸۶۱۵

۱۴۰۲/۲/۱



سرشناسه: شلی، تی. سی. Shelley, T. C.
عنوان و نام پدیدآور: هیولایی که هیولا نبود/ تی سی شلی؛
[مترجم] مریم منتصرالدوله.
مشخصات نشر: تهران: ایران یان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۹۲: مصور؛
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۸-۳۷۳-۶ - دوره: ۲-۳۷۱-۱۸۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۱۸۸-۳۷۱-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: The monster who wasn't, ۲۰۱۹.
موضوع: داستان های نوجوانان استرالیایی - قرن ۲۱م.
موضوع: ۲۱st century - Young adult fiction, Australian
شناسه افزوده: منتصرالدوله، مریم، ۱۳۵۸، مترجم
رده بندی کنگره: PR۹۶۹/۴
رده بندی دیویی: ۴/۸۲۳ (ج)
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۹۳۷۵۵



هیولای کج هیولا نیوی

نویسنده: تی. سی. شلی
مترجم: مریم منتصرالدوله

چاپ و صحافی: پردیس دانش
شمارگان: ۵۰۰ نسخه * نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۲

نشانی: تهران، میدان فردوسی، ایرانشهر جنوبی، شماره ۵
تلفن: ۸۸۳۱۵۸۴۹-۵۰

وبسایت: www.ibpublication.com

ایمیل: info@ibpublication.com

اینستاگرام: [ibpublication](https://www.instagram.com/ibpublication)



مقدمه

معروف است که، پریان با اولین خنده‌ی نوزادی متولد می‌شوند، اما چیزی که تا حالا ثبت نشده این است که چطور هیولاها پا به این دنیا می‌گذارند.

هیولاها به سه دسته تقسیم می‌شوند: هیولاهای بزرگ را از روی هیکل عظیم آن‌ها می‌شود تشخیص داد که شامل ترول‌ها، آگراها، گابلین‌ها، انواع اژدها و دیگر هیولاهای شرور می‌شوند. زیرگونه‌ی آن‌ها، ایمپ‌ها هستند که شامل گونه‌های کوچک‌تر و کوتاه‌تری می‌شوند: پیکسی‌ها، براونی‌ها، لپریکان‌ها، اسپرایت‌ها، بوگارت‌ها، گارگویل‌ها و چند جانور دیگر. در نهایت هم هیولاهای جادوگر که شامل: بنشی‌ها، بابایاگاها، جاسوس‌ها، عجوزه‌های پیر، خواهران ویرد (که سه قلو به دنیا می‌آیند) و جادوگرهای آبی مثل سیرن‌ها و چنی‌گرین‌تیت می‌شوند.

همه‌ی انواع هیولاها از آخرین آه آدمیزاد به دنیا می‌آیند و شدت پستی یک هیولا رابطه‌ی مستقیم با عمق و شدت پشیمانی آن آدم دارد.

روایات از دست‌رفته، ناامیدی‌ها و تلخی‌های زندگی در روح آدمیزاد نه‌نشین می‌شود، درست مثل سرکه‌ای که ته بطری ته‌نشین می‌شود.

1. Trolls 2. Ogres 3. Goblins 4. Imps 5. Pixies 6. Brownies
7. Leprechauns 8. sprites 9. Boggarts 10. gargoyles
11. wyrd sisters 12. Sirens 13. Jenny Greenteeth

به محض اینکه رها می شود، آخرین آه شکل می گیرد و به هوای رود و با تاریکی یکی می شود و شکل کربیی به خودش می گیرد. سخت می شود، همان گونه که تنهایی غیر قابل تحمل است، طوری که می تواند الماسی را از وسط به دو نیم کند اما در عین حال انعطاف دارد.

بعد از اینکه همه ی بدبختی ها و فقدان ها را در اتاق به خودش جذب می کند، آه رها شده راه خودش را به سمت هول، سرزمین مادری هیولاها پیش می گیرد و در غارهای چرک و تاریکی پنهان می شود. تا زمان ورودش سر می رسد و پادشاه اگر در کالبدش می دمد تا روز تولدش از راه برسد. وقتی آن آه با تمام خباثتش شکل گرفت، تبدیل به موجود شروری می شود. اما اگر زندگی آن آدم همواره با خو نحالی و آرزوهای خوب بوده باشد، پشیمانی به حداقل می رسد و قدرتی ندارد و نمی تواند بیشتر از یک ایمپ کوچک مزاحم به این دنیا پا بگذارد. هیولاهای بزرگ اغلب از آن ها منتفرند.

نفسی که پادشاه اگر روی هیولاهای تازه متولد شده می دمد، معمولاً همراه با اطلاعاتی از دنیای اطرافشان است. پادشاه اگر به زیر دست هایش اجازه نمی دمد که دید و اطلاعات زیادی داشته باشند تا قدرت نگیرند و فقط اطلاعات مختصر و مفیدی به هیولاهای تازه متولد شده منتقل می کند: انتقال مهارت های زبانی محدود، سواد خواندن و نوشتن، و روش اطاعت کردن و فرمان بردن.

برگرفته از مجله ی شکار هیولا